

## نگاه متفاوت

از همان موقع تا امروز، یک‌به‌یک ناگفته‌های جنگ روی کاغذ آمدند و ادبیات پایداری رنگ دیگری به خود گرفت؛ رنگ‌بویی که از نگاه متفاوت او می‌آمد و همچنان ادامه دارد. شاید بگویید کدام نگاه؟ مرور حتی گذرا به آثار او تا امروز جواب سؤالتان را به خوبی می‌دهد. سرهنگی جنگ را از نگاه و نظر آدم‌های مختلف روایت می‌کند، از سرهنگ و سرلشکر گرفته تا نوجوانان و جوانانی که آن روزها راهی جبهه‌ها شدند. در این روایت‌ها خانواده شهید، آزاده‌ها، جانبازها و هر کسی که سهمی در آن روزها داشته هم حضور دارند. حتی اسرای عراقی هم در این قصه‌ها سهیم‌اند. معروف‌ترین روایت این جریان هم به کتاب «اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی» برمی‌گردد که کتاب سال دفاع مقدس هم شد.

سرهنگی درباره تنوع این روایت‌ها هم می‌گوید: «قبل از تبادل بزرگ اسیران ایران و عراق، سه عنوان کتاب درباره خاطرات اسرا به چاپ رسانده بودیم. برای انتشار کتاب، هم ما به دنبال تالیف و سفارش دادن بودیم و هم کتاب‌هایی را که به دستمان می‌رسید، تنظیم و منتشر می‌کردیم. متن‌ها و کتاب‌هایی را که به دستمان می‌رسید، چک و اصلاح می‌کردیم و با روشی که در دفتر تدوین و مشخص شده بود، آنها را ویرایش می‌کردیم.»

این بخشی از مسیری است که باعث خلق روایت‌های ناشنیده از زاویه نگاه تازه، یعنی آن سوی جبهه‌ها شده بود.

## از پرداخت به زنان در جنگ تا جلب نگاه نوجوانان

از آثار خود حاج مرتضی سرهنگی که بگذریم، از نقش او در هدایت این روایت‌ها نمی‌شود گذشت. نگاه همه‌جانبه با چاشنی عشق و دغدغه‌مندی که باعث شده هیچ قشری در طول این داستان‌ها نادیده گرفته نشوند.

نقش زن‌ها در جنگ، یکی از این موضوعات است که سرهنگی به‌واسطه نگاه ویژه به آن باعث شد در این سال‌ها شاهد تولد آثار مختلفی از طرف همان گدعه معروف باشیم. کتاب‌هایی مثل «پاییز آمد»، «ساجی» و...

کنار همه اینها خیلی از دهه شصتی‌ها و حتی بعد از آن یعنی هفتادی‌ها و نسل بعدتر از آن جنگ را با قلم پرهم سرهنگی شناختند. کتاب‌هایی مثل «اسم من خاکریز است» یا «اسم من چغیبه است» و «روزهای خرمشهر»، حالا مدت‌هاست که با زبان ساده و روان از آنچه گذشت، می‌گویند که رد آن هنوز که هنوز است، باقی است و از تاریخ جدا نمی‌شود.

سرهنگی درباره نزدیک شدن به دنیای نوجوانان می‌گوید: «تلاش کردم در این داستان‌ها از قوه تخیل استفاده کنم تا برای کودکان جذابیت بیشتری داشته باشد؛ به همین منظور به این‌گونه سوژه‌ها، در داستان جان داده‌ام و هر کدام از آن‌ها به نوعی خود را معرفی می‌کنند. در آثار دفاع مقدس ویژه کودکان و نوجوانان هم خوب است که نویسندگان تخیل را به کار بگیرند؛ چراکه جهان کودکان با تخیل سروکار دارد و آنها به سمت این دست از آثار بیشتر جذب می‌شوند و برای‌شان خواندنی‌تر است.»

مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری معتقد است که ادبیات انقلاب و دفاع مقدس برای کودکان و نوجوانان باید یکی از استراتژی‌های حوزه هنری باشد؛ جریانی که به گفته او، از ابتدا

هم حوزه هنری تا حدی به آن توجه داشته است و در سال‌های اخیر هم با تاسیس حوزه هنری کودک و نوجوان، بیش‌ازپیش به این مقوله توجه نشان می‌دهد. او می‌گوید که ما نویسندگان خوبی همچون محمدرضا بایرامی، داوود غفارزادگان، داوود امیریان، اکبر صحرایی و... در حوزه کودک و نوجوان داریم که با موضوع دفاع مقدس و انقلاب اسلامی آثار خود را منتشر می‌کنند. سرهنگی همچنین اذعان می‌کند که فضای ذهنی بسیاری از کودکان از آن دوران فاصله گرفته است، اما به اعتقاد او، این موضوع باعث نمی‌شود که ما از تاریخ و آنچه بر کشورمان گذشته، برای‌شان نگوئیم؛ آن قدر که باید وظیفه‌ای که بر دوش داریم را انجام دهیم و به طور حتم کودکان و نوجوانان هم تاثیر می‌گیرند و کم‌کم سراغ کشف این مضامین می‌روند.

سرهنگی تصریح کرد: باید کتاب‌هایی منتشر کنیم که در نهایت ظرافت، زیبایی و خوش‌خوان بودن، بتوانند معرف هویت و وقایع رخ‌داده در کشورمان باشند و بچه‌ها را با جنگ تحمیلی آشنا کنند.

## یک ادبیات محترمانه

در کنار همه اینها، سرهنگی ادبیات جنگ و دفاع مقدس را محترمانه می‌داند؛ موضوعی که به آن اعتقاد قلبی دارد و همیشه در راستای آن قدم برداشته است. او در این باره می‌گوید: «ادبیات جنگ در دنیایی که سایه هواپیماها روی کشتزارها و پشت‌بام‌ها و زندگی مردم بی‌گناه افتاد، ادبیات قابل احترامی است. این ادبیات به قیمت ویرانی‌ها، کشتار، قتل‌عام‌ها و اسارت‌ها به دست آمده است چراکه همه هزینه جنگ‌ها را هم خود ملت‌ها می‌پردازند، بنابراین خود مردم هم تلاش می‌کنند که این ادبیات را به‌عنوان یک دارایی ملی حفظ کنند. هشت سال جنگ در عرض جغرافیایی ۱۲۰۰ کیلومتر، از بلندترین قله‌های پربرف تا نيزراه‌های پر از ماهی، با حضور اقوام مختلف روی داد. به همین علت این ادبیات بسیار متنوع، زیبا و ارزشمند است. در این بین دنیا هم خیلی از کتاب‌های ما را ترجمه می‌کند و ما هم اصلاً باخبر نمی‌شویم.»

## خوش‌فکر و کاربلد

از رفاقت بین مرتضی سرهنگی و هدایت‌الله بهبودی که باعث تولد دفتر ادبیات و هنر مقاومت شد، گفتیم؛ رفاقتی که بهبودی درباره‌اش می‌گوید: «ترکیب‌هایی که اولش با لغت خوش آغاز می‌شود، مثل خوش‌سلیقه، خوش‌تیپ و خوش‌اخلاق زیاد داریم، اما یکی از این ترکیب‌ها، خوش‌فکری است که برای سرهنگی هم دلالت دارد. او آدمی است بسیار خوش‌فکر، از این جهت باید یادنامه‌ای فراهم شود و برای فعالیت‌های سه‌دهه کاری او چند نفر انتخاب شوند و صحبت کنند؛ تجربه‌های کاری‌اش و فوت کوزه‌گری این سال‌ها را ثبت کنند تا به دست علاقه‌مندان برسد.»

القصه که آقا مرتضی سرهنگی در یک جمله، گنجینه‌های خاطرات و تحولاتی است که کلمه‌به‌کلمه شاهدش بوده و برای‌مان روایتش کرده است. او که بچه نازی‌آباد است، مردم و مخاطبش را خوب می‌شناسد و برای همین، قصه‌هایش هم مثل لبخندش به دل می‌نشینند و حرف‌ها دارند برای گفتن. سرش سلامت و سایه‌اش مستدام که هنوز به قول خودش، کلی ناگفته دارد از روزهای ناآرام؛ این مرد آرام.

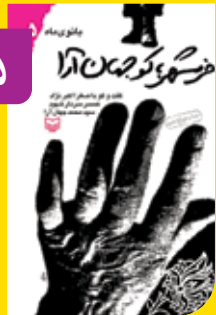
## اسم من پلاک است



سرهنگی این کتاب را که برای مخاطب کودک نوشته شده است؛ در قالب یک داستان، کودکان با

سرگذشت این پلاک، چگونگی تهیه، موارد استفاده و سایر موضوعات مرتبط با آن آشنا می‌شوند. داستان «اسم من پلاک است» با زبانی ساده و کودکانه، همراه با نقاشی‌های زیبا و رنگی، از سرگذشت «پلاک» و موارد استفاده و نقش و اهمیت آن برای رزمندگان در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، می‌گوید و با هدف معرفی عناصر مختلف جبهه و جنگ برای گروه سنی کودک به نگارش درآمده است.

## خرمشهر کو جهان‌آرا



کتاب، جلد پنجم از مجموعه «بانوی ماه» است و به گفت‌وگوی انجام‌شده توسط سرهنگی و هدایت‌الله

بهبودی با «صغری اکبرزاد» همسر شهید جهان‌آرا می‌پردازد. افراد زیادی درباره شهیدها به صحبت می‌پردازند و خاطراتشان را درباره آن‌ها بیان می‌کنند، اما امکان دارد همیشه این بیانات و خاطرات مجذوب‌کننده نباشند؛ اما وقتی یکی از نزدیکان شهید، روایت‌گر زندگی او باشد، مرور خاطرات او، جذابیت بسیار و خواندنی‌تر و شیواتر است.

## حرف ما



دوهفته‌نامه «کمان» با گرایش تخصصی ادبیات و هنر پایداری، طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳

در ۲۰۰ شماره با مدیریت‌مسئولی هدایت‌الله بهبودی و سردبیری مرتضی سرهنگی منتشر شد. ظاهراً سرهنگی و بهبودی، دو نام جدانشدنی هستند ولی کتاب «حرف ما» شامل سرمقاله‌های کمانی یا بهتر بگوییم، حرف‌های سرهنگی در نشریه کمان است. سرهنگی معتقد است این سرمقاله‌ها در زمان انتشارشان هیچ معجزه‌ای نکردند اما حرف‌هایی بودند که باید گفته می‌شدند و اکنون که چندسال از خاموشی «کمان» می‌گذرد نیز چندان خاموش نیستند.



«من به اتفاق آقای بهبودی صفحه‌ای را در روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان «جبهه و جنگ» راه‌اندازی کردیم و بعد از آن با استفاده از تجربیاتمان که به‌عنوان خبرنگار جنگی در یکی، دو سال قبل تر کسب کرده بودیم، نسبت به مساله تاریخ‌نگاری جنگ هوشیارتر شدیم و مترصد فرصتی بودیم که از طریق یک کار فراگیر علمی، تاریخ‌نگاری جنگ را شروع کنیم.»